

بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی زنان در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله‌های ورزقان و اهر

امیرسلطانی نژاد*: دکتری جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان خواجه نصیرالدین طوسی کرمان
ادیبه برشان: دکتری سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۶

چکیده

کشور ایران یکی از کشورهای حادثه‌خیز دنیا است که به‌طور میانگین هر هفته یک‌بار زلزله‌ی بالای ۳ ریشتر را تجربه می‌کند. اگر چه زلزله یک حادثه‌ی طبیعی است، اما به سبب آثار اجتماعی گوناگونی که دارد به یک موضوع جامعه‌شناختی تبدیل شده است و گروه‌های آسیب‌پذیری را به وجود می‌آورد. یکی از این گروه‌ها زنان هستند. هدف این پژوهش بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی زنان در زلزله است. روش پژوهش از نوع کیفی- کمی است. در بخش کیفی، محقق به منظور شناخت آسیب‌های اجتماعی زنانی که زلزله را تجربه نموده‌اند، به گردآوری مقوله‌ها از طریق گروه‌های کانونی پرداخته است. در مرحله‌ی کمی، پژوهشگر نود نفر از زنانی را که زلزله‌های ورزقان و اهر را تجربه کرده‌اند انتخاب و سپس نود نفر که زلزله را تجربه نکرده‌اند به‌طور هم‌تا با گروه اول انتخاب نموده و متغیرهای تحقیق را مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش نشان داد زنان، از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که میزان صدمات و آسیب‌های وارده بر آن‌ها زیاد است. زنان علاوه بر بالا بودن میزان مرگ و میرشان، قربانی آسیب‌های اجتماعی همچون عدم امنیت اجتماعی، بی‌اعتمادی نسبت به اجتماع و بیگانگی اجتماعی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌پذیری، زنان، زلزله، بیگانگی اجتماعی، بی‌اعتمادی اجتماعی

Evaluation of women's social vulnerability in natural disasters, with an emphasis on Varzeghan and Ahar earthquakes

Amir Soltani Nejad^{1*}, Adibeh Barshan²

Abstract

Iran as one of the outstanding countries regarding disaster occurrences is experiencing, on average, one earthquake of above 3 Richters every week. Earthquake is a natural disaster, however, due to its various social consequences, has become a subject of sociology and has created vulnerable groups, one of those groups being women. The aim of this study is to evaluate women's social vulnerability following the earthquakes. This research includes both qualitative and quantitative methods. Qualitative method is used to identify the social damages to women experiencing earthquakes and collecting categories through focus groups. In the quantitative phase, 90 women who have experienced Varzeghan and Ahar earthquakes are compared to another peer group of 90 persons who have not experienced the earthquake, in order to examine the variables. The results showed that women are one of the most damaged society groups, not only having the highest rate of mortality but also are victims of many social problems such as social insecurity, mistrust toward society and social alienation.

Keywords: vulnerability, earthquake, women, social alienation, social insecurity

1 Ph.D. in Sociology and invited lecturer at the University of Farhangian (corresponding author)
Flat number 25, Alley Shafa 5, Shafa street, Kerman. Code 75158-33559

2 Ph.D. in Assessment and measurement, Tehran University
Flat number 25, Alley Shafa 5, Shafa street, Kerman. Code 75158-33559

مقدمه و بیان مسئله

زندگی بشر همواره با دو گونه مسئله‌ی عام پیش‌بینی‌پذیر طبیعی و انسانی مواجه است. در پیدایش بلایای طبیعی برخلاف مسائل انسانی، دست بشر چندان در کار نیست و این حوادث هرازگاهی رخ می‌دهند و فاجعه‌های دل‌خراشی می‌آفرینند. از نظر غافل‌گیری و عدم پیش‌بینی‌پذیری، زلزله جایگاه نخست را در میان تمامی بلایای طبیعی به خود اختصاص داده است [۱]. زلزله از غم‌انگیزترین و مخوف‌ترین بلایای طبیعی به شمار می‌آید که هرساله جان عده‌ی زیادی از افراد را در سراسر جهان می‌گیرد. کشور ایران هم به دلیل قرار گرفتن روی کمربند زلزله یکی از زلزله‌خیزترین مناطق دنیا است. از مخرب‌ترین این زلزله‌ها، می‌توان به زلزله‌ی خردادماه ۱۳۶۹ در ناحیه‌ی رودبار، منجیل و لوشان اشاره کرد که سبب کشتار نزدیک به ۳۵۰۰۰ نفر، مجروح شدن ۶۰۰۰۰ نفر و بی‌خانمانی بیش از ۵۰۰۰۰ نفر شد. همین‌طور زلزله‌ی ۵ دی ماه ۱۳۸۲ بم که آمار تلفات رسمی بیش از ۲۵۰۰۰ نفر و مجروحان حدود ۵۰۰۰۰ نفر اعلام گردید و بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر نیز بی‌خانمان شدند. زلزله‌ی زرنده که در سال ۱۳۸۳، موجب کشته شدن ۶۱۲ نفر و زلزله‌ی آذربایجان در سال ۱۳۹۱ بیش از ۳۰۰ کشته بر جای گذاشت [۲].

در این بحران طبیعی، آمار تلفات در بین زنان بیشتر از مردان است. برای مثال در زلزله‌ی بم، قبل از زلزله جمعیت زنان (۴۸٪) کمتر از مردان (۵۲٪) بوده، ولی میزان مرگ‌ومیر زنان (۵۷/۶) بیشتر از مردان (۴۲/۴) بوده است. به عبارتی به ازای هفتاد و چهار نفر مرد صد نفر زن در زلزله فوت شده‌اند [۳]. همچنین در پی بررسی سه‌ماهه‌ی سازمان کمک‌رسانی آکسفام که در هند، اندونزی و سریلانکا تهیه شده، مشخص شد، تعداد زنانی که در فاجعه‌ی سونامی در آسیا کشته شدند سه برابر بیش از مردان بودند و خیزش امواج اقیانوس در روز بیست و شش دسامبر ۲۰۰۴، به ازای هر یک مرد، جان چهار زن را گرفت. کارشناسان این مؤسسه معتقدند زنان به این علت متحمل بیشترین آسیب شدند که در زمان وقوع سونامی در خانه‌های خود از بچه‌ها مراقبت می‌کردند. گروه بین‌المللی آکسفام تحقیقات خود را بر استان اندونزیایی آچه، ناحیه‌ی کودالور در هند و داده‌های جمع‌آوری شده از اردوگاه‌های سراسر سریلانکا متمرکز کرد. در چهار روستای ناحیه‌ی «آچه بسار» تنها ۱۸۹ نفر از ۶۷۶ بازمانده‌ی سونامی زن بودند و تعداد بازماندگان مرد سه برابر بازماندگان زن بود. در چهار روستای ناحیه‌ی «آچه‌ی شمالی» هشتاد و دو مرد جان باختند، در حالی که شمار کشته‌شدگان زن ۲۸۴ نفر بود. در شهر کوالاکانگوی در آچه‌ی شمالی تعداد کشته‌شدگان زن به رقم تکان‌دهنده‌ی ۸۰ درصد رسید. هند نیز دچار سرنوشت مشابهی شد و در ناحیه‌ی کودالور^۲ تعداد زنانی که جان باختند سه برابر مردان بودند [۴].

می‌بینیم که تحقیقات انجام‌شده پیرامون آسیب‌پذیری در حوادث طبیعی، به آمار کشته‌شدگان و خسارات مادی محدود است و در موارد اندکی شاهد پرداختن به مسائل روان‌شناختی هستیم. این در حالی است که بدون شک حوادث با خود تبعات اجتماعی زیادی خواهند داشت. در برخی موارد گستردگی

آسیب‌های اجتماعی که افراد می‌بینند بیشتر از مسائل روان‌شناختی است، چنانچه دامنه‌ی آسیب‌های اجتماعی وارده، سال‌ها بعد از وقوع یک بحران حضور خواهد داشت. بنابراین انتظار می‌رود که به ابعاد اجتماعی حوادث خصوصاً حوادث طبیعی بیشتر پرداخته شود. در این بین توجه به آسیب‌های وارده بر زنان به سبب محوریتی که در خانواده دارند، اهمیت بیشتری می‌یابد. بنابراین با توجه به کمبود تحقیقات انجام‌شده در زمینه‌ی آسیب‌پذیری زنان در حوادث طبیعی، وظیفه‌ی هر انسان دانشگاهی و محقق این است که متناسب با رشته‌ی تخصصی خود گامی هرچند کوچک برای شناخت فاجعه و آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی بردارد. این تحقیق می‌کوشد با بررسی ابعاد آسیب‌پذیری زنان (امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، بیگانگی از خانواده و جامعه، احساس پوچی و بی‌قدرتی) علاوه بر باز کردن دریچه‌های جدیدی در پیش روی پژوهشگران و مؤسسات مطالعاتی در راه تحقیق در آسیب‌پذیری اجتماعی زنان، خلأ و کمبود منابع اطلاعاتی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر در حوادث طبیعی را تا حدودی پر نماید.

مبانی نظری

اگرچه بلایای طبیعی در نگاه اول، موضوع کنکاش مباحث جامعه‌شناختی نیست؛ اما به سبب وقوع اتفاقات پس از آن، این علم می‌تواند به این موضوع وارد شود. زیرا پیامدهای اجتماعی حوادث عظیمی همچون زلزله، ساخته شدن آنومی^۲، بیگانگی اجتماعی^۴، نابسامانی^۵ انزوای اجتماعی^۶ و عدم تعادل در گروه‌های اجتماعی است [۵]. با به هم خوردن الگوهای مرسوم و متعارف زندگی اجتماعی، افراد به‌طور یکسان آسیب نمی‌بینند و گروه‌های آسیب‌پذیر را به وجود می‌آورند. بررسی آسیب‌پذیری^۷ گروه‌های اجتماعی در حوادث در حیطه‌ی جامعه‌شناسی فاجعه قرار می‌گیرد [۶]. این شاخه از جامعه‌شناسی، رهیافتی مبتنی بر نظریه و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی است که ابعاد اجتماعی رفتار انسان‌ها را به‌طور سیستماتیک در نظر می‌گیرد. این رهیافت به آسیب‌پذیری، واکنش جوامع، دگرگونی‌های اجتماعی و تأثیرات آسیب بر رفتار افراد در ابعاد اجتماعی می‌پردازد. به‌طور کلی این شاخه از جامعه‌شناسی، به دنبال مشخص نمودن این مسئله است که در شرایط فاجعه چه متغیرهایی بر ساختار یک نظام اجتماعی و روابط درون آن تأثیر می‌گذارد.

واکنش اجتماعی نسبت به بلایا شامل عوارض و اثراتی همچون انزوا، بیگانگی، آنومی و انحرافات اجتماعی است. اما این واکنش‌ها در بین زنان، مردان، دختران و پسران به لحاظ ماهیت آسیب‌های اجتماعی، متفاوت است. از میان گروه‌های اجتماعی، زنان بنا به دلایلی از جمله تفاوت‌های فیزیولوژیک، محدودیت بیشتر آنان در دسترسی به منابع، عکس‌العمل‌های متفاوت آنان نسبت به مردان در حمایت از خانواده در شرایط اضطراری، بیشتر از مردان در معرض خطر حوادث طبیعی قرار دارند و بحران‌ها همواره آسیب‌پذیری آنان را تشدید می‌کند. بنابراین، جنسیت در آسیب‌پذیری پس از بحران نقش مهمی دارد. زنان بیش از مردان

زنان است که باعث مخدوش شدن روابط اجتماعی آنان با دیگران می‌شود، زیرا یک زن بیوه و مطلقه که به تنهایی و بدون حضور مرد زندگی می‌کند، احساس عدم امنیت می‌کند.

یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی زنان در حوادث بی‌اعتمادی نسبت به جامعه و نهادهای اجتماعی است. گیدنز معتقد است اعتماد دو بعد دارد: الف. اعتماد به نظام‌های انتزاعی و تخصصی. گیدنز نظام‌های انتزاعی را نظام‌های انجام کار فنی یا مهارت تخصصی می‌داند که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد، مثل نظام پزشکی، نظام معماری و غیره. به نظر وی، انسان از اعتماد به نهادهای مدرن و نظام‌های انتزاعی در موقعیتی که بسیاری از جنبه‌های مدرنیته جهانی شده باشد، ناگزیر است. یکی از معانی قضیه‌ی بالا این است که هیچ‌کس نمی‌تواند از نظام‌های تخصصی در نهادهای مدرن کاملاً دوری‌گزیند. زندگی در دوره‌ی مدرن توسط نظام‌های انتزاعی تخصصی تکه‌تکه می‌شود و یک نفر نمی‌تواند مانند گذشته همه یا بیشتر کارهای خود را مستقل انجام دهد. ب. اعتماد در روابط شخصی. در دوران پیش از مدرن، روابط شخصی تابع ضوابط بیرونی همچون تعهدات خویشاوندی بود، درحالی‌که در دوران مدرن روابط شخصی که بیشتر به صورت رابطه‌ی ناب درمی‌آید و وابسته به اعتماد متقابل است که آن را باید به وجود آورد و اعتماد طرف مقابل را جلب کرد. ارتباط ناب ارتباطی است که معیارهای بیرونی در آن تحلیل رفته باشد. ارتباط ناب تنها برای پاداشی به وجود می‌آید که از نفس ارتباط حاصل می‌گردد. در ارتباط ناب، اعتماد یک مقوله‌ی مطمئن و از پیش تعیین شده نیست [۱۲].

علاوه بر آسیب‌پذیری زنان در حین بحران که شامل مرگ و میر آنان می‌شود، بعد از حادثه هم زنان با آسیب‌های اجتماعی همچون بی‌اعتمادی، مواجه می‌شوند. زیرا زنان سرپرست خانوار انتظار دارند که جامعه و نهادهای دولتی از آنان حمایت نمایند، این در حالی است که به‌طور واقعی میزان حمایت بسیار اندک است و در برخی موارد اصلاً حمایتی دریافت نمی‌کنند. همین عامل زمینه‌ساز بی‌اعتمادی در زنان می‌گردد [۱۳].

از دیگر آسیب‌های زنان در حوادث طبیعی بیگانگی اجتماعی است. ملوین سیمن^۳ نمودهای متفاوت رفتار بیگانه‌گونه را به شرح ذیل بیان می‌کند: احساس بی‌قدرتی؛ نوعی بیگانگی است که فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی و کنش متقابل خود تأثیرگذار نیست. به عبارت دیگر احساس بی‌قدرتی، عبارت از این تصور است که فرد، احتمال می‌دهد عمل او بی‌تأثیر باشد و نتایج مورد انتظار او را برآورده نسازد. احساس بی‌معنایی که در این حالت فرد احساس می‌کند هیچ راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده‌ی خود ندارد. بنابراین دچار ابهام و شک و تردید می‌شود و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری، عقیده‌ی خود را با استانداردهای فرهنگی - اجتماعی موجود در جامعه وفق دهد. احساس بی‌هنجاری؛ در شرایطی که بین اهداف اجتماعی و وسایل و راه‌های رسیدن به آن اهداف تطابقی وجود نداشته باشد، در این صورت مسیر برای بروز بی‌هنجاری مناسب به نظر می‌رسد.

هم در حین بحران و هم در بعد از بحران در معرض آسیب‌های مختلف قرار می‌گیرند [۷].

اولیور اسمیت^۴ (۲۰۱۲) معتقد است که فاجعه ساختارهای نابرابر و تفاوت‌های موجود در جامعه‌ی قبل از زلزله را تقویت می‌کند. زنان بیشتر از مردان در معرض آسیب‌های مختلف قرار می‌گیرند. یکی از آسیب‌های اجتماعی زنان بعد از حوادث نبود امنیت اجتماعی است. مفهوم امنیت اجتماعی برای اولین بار و به مفهوم فنی کلمه در سال ۱۹۹۳، توسط اندیشمندانی چون باری بوزان^۵، آل ویور^۶ و لمیتر^۷ تحت عنوان مکتب کپنهاگ مطرح شد. انگیزه‌ی طرح این عبارت، امواج تهدیدآمیزی بود که هویت گروه‌ها را در معرض خطر قرار داده بود. بر همین اساس، تهدید اجتماعی به هویت و ارزش‌های مورد احترام مربوط می‌شود و طی آن، یک هویت، توسط هویت دیگر مورد حمله واقع می‌شود. بوزان در خصوص امنیت معتقد است باید آن را در برابر وجود تهدید تعریف کرد. از نظر وی، امنیت در نبود مسئله‌ای دیگر به نام تهدید درک می‌شود [۸].

مکتب روش‌شناسی مردمی در بحث امنیت اجتماعی، بیشتر متضمن فهم رفتاری است که به پیروی از مقررات انجام می‌شود تا درک مقرراتی که مورد تبعیت قرار می‌گیرند. بر اساس این مکتب باید امنیت اجتماعی را ریشه‌یابی کرد و علل آن را نه در قوانین و نظام‌های کلی حاکم بر جامعه بلکه در کنش‌های عادی و روزمره‌ی مردم و در تصویری که از آن دارند، جستجو کرد [۹]. مردم در روابط خود از شیوه‌های قابل فهم استفاده کرده و توانایی کنش متقابل را به دست آورده و به کار می‌برند و هیچ نظم واقعی را که از پیش تعیین شده باشد در نظر نمی‌گیرند. هدف این مکتب ارائه‌ی تحلیلی از شیوه‌هایی است که بر اساس آن، تجربه‌ی جهان به منزله‌ی مکانی مبتنی بر نظم و جهانی که در آن امور به شیوه‌های مورد انتظار و واضح اتفاق می‌افتد، تولید می‌شود. از نظر پیروان این مکتب امنیت به وسیله‌ی افراد شرکت‌کننده به وضعیت‌ها ارائه می‌شود و پدیده‌ای عینی و خارجی نیست، به نظر آنان امنیت اجتماعی در شیوه‌ای که کنش‌ها توسط افراد توصیف می‌شوند نهفته است، بر این اساس مردم احساس می‌کنند در زندگی اجتماعی خود امنیت دارند، زیرا شیوه‌های توصیفی که از کنش‌ها دارند آن‌ها را واداشته که کنش را به صورت نظم یافته تصور کنند [۱۰].

امنیت اجتماعی و احساس امنیت، ناشی از فرایند و جریان فهم تفسیر مشترک افراد در حوزه‌ی قواعد مشترک ایجاد می‌شود و بر این اساس غلبه بر احساس ناامنی که در رابطه‌ی متقابل میان افراد جامعه پیش می‌آید با بهره‌گیری از تاکتیک اصول، امکان‌پذیر نیست [۱۱]. با توجه به اینکه امنیت اجتماعی از دیدگاه روش‌شناسی مردم‌نگارانه به وسیله‌ی کنش‌های افراد به وضعیت‌ها تعیین می‌شود، در فرهنگ مردسالار جامعه‌ی ما، زنان حادثه‌دیده در زلزله حتی در صورت خودکفا بودن، با مشکلات متعدد اجتماعی، فرهنگی مواجه هستند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این‌گونه از مشکلات، نگرش منفی جامعه نسبت به این زنان در جامعه است و این عامل از جمله مشکلات جدی این

گروه دیگری که زلزله را تجربه نکرده‌اند به طور هم‌تا با گروه اول برگزید و سپس متغیرهای تحقیق را مورد بررسی قرار داد.

جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی زنان شهرهای زلزله‌زده‌ی ورزقان و اهر است که زلزله‌هایی با خسارات مالی و جانی تجربه کرده‌اند. از آنجا که موضوع این تحقیق آسیب‌پذیری زنان است، بنا بر مقتضیات موضوعی، شناسایی آسیب‌دیدگان امکان‌پذیر نبوده است، به همین دلیل آمار دقیقی از کل جامعه‌ی آماری در دسترس نیست. به منظور دستیابی به گروه‌های کانونی زنان، با کارشناسان بهزیستی شهرهای اهر و ورزقان مشورت گردید. به کمک این کارشناسان در ابتدا تعداد دوازده نفر برای گروه کانونی زنان انتخاب شد که محقق آن‌ها را تا رسیدن به درجه‌ی اشباع افزایش داد (تعداد افراد گروه کانونی بین شش تا دوازده نفر است) [۱۷]. در نهایت اطلاعات، بر اساس مصاحبه با هفده نفر از زنان، استخراج گردید. به منظور اعتباربخشی به اطلاعات جمع‌آوری شده، مصاحبه‌ای نیز با متخصصان (روانشناسان، جامعه‌شناسان و پزشکان) انجام شد که حجم این گروه نیز بعد از رسیدن به درجه‌ی اشباع ده نفر بود. در بخش کمی برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران برای جامعه‌ی نامحدود استفاده شد. بر طبق این فرمول، با در نظر گرفتن $\alpha = 0.05$ ، $p = 0.1$ و $q = 0.9$ و $d = 0.061$ ، حجم نمونه برای هر گروه (زنان تجربه‌کننده‌ی زلزله و سایر زنان) برابر با ۹۰ نفر در نظر گرفته شده است. برای نمونه‌گیری افراد آسیب‌دیده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده که از شهرهای اهر و ورزقان انتخاب شده‌اند. محقق بعد از حضور در شهر اهر با انتخاب تصادفی خیابان‌های رسالت، آزادی، آزادگان و هجده متری انصار، به ۴۵ نفر از زنان پرسش‌نامه داده و سپس با حضور در شهر ورزقان خیابان‌های قلعه یک و دو، آخوندی، علامه جعفری و حافظ را انتخاب نموده و تعداد ۴۵ پرسش‌نامه را تکمیل نموده است (جمعاً ۹۰ نفر). افرادی که در زلزله حضور نداشتند نیز با نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. بدین ترتیب که محقق از بین شصت شهر استان آذربایجان شرقی (به جز شهرهای اهر و ورزقان) شهرهای مشکین‌شهر، میانه، سهند، عجب‌شیر و تبریز را به طور تصادفی انتخاب و با توجه به جمعیت هر شهر تعداد نود نفر (شهر تبریز (سی نفر)، شهر میانه (بیست و چهار نفر)، شهر سراب (سیزده نفر)، شهر سهند (سیزده نفر)، شهر عجب‌شیر (ده نفر)) به پرسش‌نامه‌های مذکور پاسخ داده‌اند.

ابزار تحقیق

ابزار تحقیق در این پژوهش پرسش‌نامه است که مشتمل بر پرسش‌نامه‌ی امنیت اجتماعی زنان، پرسش‌نامه‌ی اعتماد اجتماعی و پرسش‌نامه‌ی بیگانگی اجتماعی است. پرسش‌نامه‌ی امنیت اجتماعی زنان دارای ۲۵ گویه بوده و هدف آن سنجش امنیت اجتماعی زنان (حمایت خانواده، نحوه‌ی برخورد دیگران، تهدید مذهبی، اعتماد به نیروی انتظامی، حضور نیروی انتظامی) است. شیوه‌ی نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای

احساس انزوای اجتماعی؛ این احساس مبین انفکاک فکری فرد از استانداردهای فرهنگی و بیگانگی او از نظام اجتماعی است. به عبارتی فرد از متن اجتماع و ارزش‌های حاکم در آن جدا می‌شود. خود بی‌زاری (تنفر از خود)؛ این حالت عبارت است از احساس ناتوانی فرد در انجام فعالیت‌هایی که او را ارضا کند. فرد طی این احساس در فعالیت‌هایی که فی‌نفسه فاقد پاداش است مشغول می‌شود بدون اینکه برای خود چیزی در برداشته باشد، در واقع فرد به خاطر خود، فعالیت می‌کند [۱۴]. با تأکید بر نظریه‌ی ملوین سیمن می‌توان بیان کرد که یکی از مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سوءنیت و مزاحمت مردان برای این زنان است. در جوامعی مانند جامعه‌ی ما که زن اعتبار اجتماعی و امنیت خود را مدیون مردان خانواده است، زن بدون مرد به منزله‌ی یک فرصت برای مردان جلوه می‌کند که قصد تصاحب و کام‌جویی از آن را دارند. این مسئله در ابعاد متفاوتی نمود می‌یابد که از تقاضای ازدواج‌های نامطلوب و بدون شرایط مناسب آغاز شده و به مواردی دیگری نظیر تقاضای صیغه شدن و تجاوز می‌انجامد. بنابراین طرد شدن از سوی جامعه، دوستان و یا حتی اقوام، نداشتن امنیت اجتماعی مناسب، از جمله واقعیت‌های تلخی است که این قشر آسیب‌پذیر در حادثه، با آن مواجه هستند [۱۵].

در زلزله‌ی شهر بم زن‌هایی که در اثر زلزله، شوهر خود را از دست داده‌اند از نظر روحی، مالی و اجتماعی بسیارافت کرده و اکثراً تحت پوشش کمیته‌ی امداد قرار گرفته‌اند. بسیاری از زن‌ها، به دلیل عدم وجود کار مناسب برای آن‌ها در شهر و همچنین پایین آمدن شانس ازدواج مجدد، احساس بیگانگی و تنفر از خود داشتند و خود را سیاه‌بخت می‌دانستند [۱۶].

- با این توضیحات، محقق در صدد بررسی فرضیات ذیل است:
۱. زنان حاضر در زلزله بیشتر از سایر زنان احساس عدم امنیت اجتماعی دارند.
 ۲. زنان حاضر در زلزله بیشتر از سایر زنان نسبت به اجتماع بی‌اعتماد هستند.
 ۳. زنان حاضر در زلزله بیشتر از سایر زنان احساس بیگانگی اجتماعی می‌کنند.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی و کمی است. ابتدا محقق به گردآوری مقوله‌ها از طریق گروه‌های کانونی پرداخته است. در این مرحله محقق به توصیف جنبه‌های بی‌شماری از پدیده هدایت می‌شود. در مصاحبه‌ها سعی شده است تا از برداشت و ذهنیت زنان که زلزله را تجربه کرده‌اند نسبت به آسیب‌های اجتماعی زلزله جویا شده و با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت‌بندی سؤالات تحقیق در مورد پدیده‌ی مورد مطالعه فراهم گردد. پس از آن در مرحله‌ی کمی، پژوهشگر از طریق گردآوری داده‌های کمی، فرضیه‌ها را مورد آزمون قرار داده است. بدین ترتیب که بر اساس آسیب‌های ذکر شده، محقق ابتدا یک گروه تصادفی از کسانی که زلزله را تجربه نموده‌اند انتخاب کرد و سپس

و زرد کرمان را داشته‌اند، در خصوص آسیب‌های اجتماعی زنان بحث و گفتگو شد. آسیب‌های عنوان شده توسط متخصصان با آسیب‌های عنوان شده توسط زنان، همخوان بود.

جدول ۲ مقوله‌های استخراج شده از مفاهیم حاصل از مصاحبه‌های گروه‌های کانونی را نشان می‌دهد. آسیب‌های استخراج شده در دو مقوله‌ی اجتماعی و روان‌شناختی قرار می‌گیرند. با توجه به حیطة‌ی پژوهش موجود که هدف آن مطالعه‌ی آسیب‌های اجتماعی است، در بخش کمی پژوهش، تنها مقوله‌ی اجتماعی مورد بررسی و مطالعه‌ی بیشتر قرار گرفته است.

بررسی نرمال بودن توزیع متغیره

قبل از انجام تحلیل کمی، محقق به منظور بررسی پارامتریک بودن توزیع نمرات ضمن ارائه‌ی کجی و کشیدگی توزیع نمرات، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده نموده است.

چنانچه نتایج موجود در جدول ۳ نشان می‌دهد، مقادیر کجی و کشیدگی مشاهده شده برای متغیرها در تمامی گروه‌های مورد مطالعه در دامنه‌ی (۲ و -۲) قرار دارد که گویای نرمال بودن توزیع متغیرهاست. پس از بررسی عادی یا نرمال بودن توزیع نمرات آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده تا از نرمال بودن توزیع نمرات اطمینان حاصل گردد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، با توجه به $P > 0.05$ فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع نمرات تأیید می‌شود.

بررسی فرضیه‌های پژوهش

محقق به منظور بررسی تأثیر زلزله بر زنان، دو گروه ۹۰ نفره از زنان حاضر در زلزله و سایر زنان را انتخاب نموده است و برای کنترل متغیرهای مزاحم پژوهشگر سعی نموده، زنان انتخاب شده از جمعیت عادی از جهت سن، تعداد فرزندان، وضعیت تأهل، تحصیلات و وضعیت اشتغال، هم‌تا با زنان حاضر در زلزله باشند. برای بررسی فرضیه‌ی اول، جدول ۴ میانگین و انحراف استاندارد امنیت اجتماعی و ابعاد آن را در بین زنان حاضر در زلزله و سایر زنان نشان می‌دهد.

طبق اطلاعات موجود، میانگین نمره‌ی حمایت خانواده در بین زنان حاضر در زلزله برابر با $13/16$ و سایر زنان $24/83$ است. با توجه به اینکه هر چه نمرات بالاتر و نزدیک ۳۵ باشد، حمایت خانوادگی بالاتر است، می‌بینیم که سایر زنان از حمایت خانوادگی بالاتری برخوردارند. میانگین نمره‌ی نحوه‌ی برخورد دیگران در بین زنان حاضر در زلزله برابر با $9/43$ و سایر زنان $21/2$ است. از این میانگین این استنباط می‌شود که سایر زنان از نحوه‌ی برخورد دیگران احساس رضایت بیشتری دارند. میانگین نمره‌ی تعهد مذهبی در بین زنان حاضر در زلزله برابر با $8/1$ و سایر زنان $17/9$ است. در نتیجه به نظر می‌رسد که سایر زنان نسبت به زنان حاضر در زلزله به راحتی می‌توانند لباس دلخواهشان را بپوشند، آرایش کنند و چون نماز می‌خوانند در خانه احساس آرامش دارند. میانگین نمره‌ی اعتماد به نیروی انتظامی در بین زنان حاضر در زلزله برابر با $14/6$ و سایر زنان $15/33$ و نمره‌ی حضور نیروی انتظامی در

است که از خیلی کم (یک) تا خیلی زیاد (پنج) نمره‌گذاری می‌شود. البته این شیوه‌ی نمره‌گذاری در مورد سؤالات شماره‌ی ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳ و ۱۶ معکوس است. گفتنی است که امتیاز بالاتر نشان‌دهنده‌ی احساس امنیت اجتماعی بالاتر توسط فرد پاسخ‌دهنده خواهد بود و برعکس. روایی محتوایی و صوری پرسش‌نامه به تأیید پنج نفر از اساتید دانشگاه رسیده است. در این پژوهش پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه برابر با 0.76 و برای پنج خرده مقیاس آن به ترتیب برابر با 0.81 ، 0.79 ، 0.72 ، 0.80 و 0.78 به دست آمد که میزان رضایت‌بخشی است.

ابزار دیگر این تحقیق پرسش‌نامه‌ی اعتماد اجتماعی است که شامل بیست و پنج گویه است؛ که گویه‌های ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ خرده مقیاس رفتار مبتنی بر اعتماد کردن، گویه‌های ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶ خرده مقیاس تمایلات همکاری جویانه، گویه‌های ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱ خرده مقیاس صراحت، گویه‌های ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶ خرده مقیاس صداقت، گویه‌های ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱ خرده مقیاس اطمینان را می‌سنجند. نمره‌گذاری گویه‌ها بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای به صورت کاملاً موافقم: ۵، موافق: ۴، نظری ندارم: ۳، مخالف: ۲ و کاملاً مخالفم: ۱، انجام می‌شود؛ بنابراین حداقل و حداکثر نمره‌ی کسب شده از این پرسش‌نامه به ترتیب برابر با ۲۵ و ۱۲۵ خواهد بود. گفتنی است گویه‌های ۲۳، ۲۰، ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۴، ۲، ۲۴ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. همچنین پرسش‌نامه‌ی بیگانگی اجتماعی دارای ۱۵ سؤال بوده و هدف آن بررسی میزان احساس بیگانگی اجتماعی در افراد از ابعاد مختلف (بیگانگی از خود، بیگانگی از نهادهای اجتماعی، بیگانگی از روابط اجتماعی، بیگانگی از خانواده و احساس بی‌ریختگی) است. طیف پاسخ‌گویی آن از نوع لیکرت است که امتیاز مربوط به هر گزینه از کاملاً مخالفم (یک) تا کاملاً موافقم (پنج) است. امتیازات بالاتر نشان‌دهنده‌ی بیگانگی اجتماعی بالاتر خواهد بود و برعکس.

روایی محتوایی و صوری پرسش‌نامه به تأیید پنج نفر از اساتید دانشگاه رسیده است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ توسط زکی (۱۳۸۸) $0.92/0.92$ گزارش شده است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با 0.79 و برای پنج خرده مقیاس آن به ترتیب برابر با 0.75 ، 0.80 ، 0.73 ، 0.78 و 0.82 به دست آمد که میزان رضایت‌بخشی است.

یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۱ بیانگر مفاهیم استخراج شده از گروه کانونی زنان است. طبق مفاهیم استخراج شده، آسیب‌های زنان شامل مواردی چون: از دست دادن امنیت اجتماعی، افسردگی، اضطراب، PTSD، بی‌اعتمادی نسبت به اجتماع، انزوای اجتماعی و بیگانگی اجتماعی است. نکته‌ای که در پژوهش رعایت شده است، به دست آوردن اطلاعات از منابع مختلف است. این کار بدین سبب انجام شده است که بتوانیم شناخت کلی‌تر و جامع‌تری نسبت به آسیب‌های زنان، در زلزله به دست آوریم. بدین منظور پژوهشگر با تشکیل گروه کانونی متخصصان (۱۰ متخصص زن و مرد) که علاوه بر تخصص علمی، سابقه‌ی فعالیت در زلزله‌ی بم

جدول ۱: مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌های گروه کانونی زنان

مفهوم	عبارات	ردیف
عدم امنیت اجتماعی	توانایی تأمین مخارج خانواده را نداریم.	۱
	دولت یا حمایت نمی‌کند یا حمایتش خیلی کم است.	۲
	شغل وجود ندارد.	۳
	خدمات دولتی به‌طور عادلانه تقسیم نمی‌شود.	۴
افسردگی	ارتباطم با دیگران کم شده، حال و حوصله‌ی دیگران را ندارم.	۱
	از دنیا و زندگی بیزارم.	۲
	شدید احساس تنهایی می‌کنم.	۳
	نامیدم.	۴
	رمق و انرژی در دست و بدنم نیست.	۵
	شب‌ها خواب راحت ندارم.	۶
	غذایم خیلی کم شده.	۷
اضطراب	احساس ناامنی و ترس دارم.	۱
	از مرگ می‌ترسم.	۲
	بی‌قرارم.	۳
	کابوس زیاد می‌بینم.	۴
	تمرکز در انجام کارهایم ندارم.	۵
	چندین بار وسایلم را گم کردم.	۶
	دچار وسواس شدم. دائم گوش به‌زنگم اتفاقی بیفتد.	۷
PTSD	به محض اینکه صدایی می‌آید یا شیء تکان می‌خورد، ترس تمام وجودم را فرا می‌گیرد.	۱
	صحنه‌های زلزله یادم می‌آید و بی‌اختیار فریاد می‌زنم.	۲
	هر لحظه فکر می‌کنم الان دوباره زلزله می‌شود.	۳
بی‌اعتمادی نسبت به اجتماع	نمی‌توان به دیگران اعتماد کرد.	۱
	نمی‌توان روی حمایت دیگران حساب کرد.	۲
	پشت حمایت دیگران انگیزه‌هایی وجود دارد.	۳
	بهتر است که مسائل و مشکلاتت را با کسی در میان نگذاری.	۴
	دوست دارم که تنها باشم و برای خودم زندگی کنم.	۵
بیگانگی اجتماعی	وضعمان روز به روز بدتر می‌شود.	۱
	بازگو کردن مشکلات برای مسئولان نتیجه‌ای ندارد.	۲
	احساس می‌کنم نمی‌توانم سرنوشت‌م را بسازم.	۳
	خیلی وقت‌ها شک دارم دنیای دیگری وجود دارد.	۴
	دنیا به ما رحم نکرد، دنیا به هیچ‌کس رحم نمی‌کند.	۵
	هیچ‌کس نمی‌تواند ما را درک کند.	۶

جدول ۲: مقوله‌های اجتماعی استخراج شده از گروه کانونی (زنان)

مقوله‌ی روان‌شناختی	مقوله‌ی اجتماعی	گروه کانونی
افسردگی / اضطراب / PTSD	عدم امنیت اجتماعی / بی‌اعتمادی نسبت به اجتماع / انزوای اجتماعی و بیگانگی اجتماعی	زنان

جدول ۳: مقادیر کجی و کشیدگی و نتایج آزمون نرمال بودن توزیع متغیرها

آزمون کولموگروف اسمیرنوف	گروه زنان حاضر در زلزله				متغیرها
	کشیدگی		کجی		
	خطای استاندارد	مقدار	خطای استاندارد	مقدار	
۰/۰۵۳	۰/۲۱	۰/۱۱	۰/۲۳	۰/۸۷۹	عدم امنیت اجتماعی
۰/۰۵۷	۰/۱۸	۰/۲۸	۰/۶۶	۰/۹۱	بی‌اعتمادی اجتماعی
۰/۰۵۷	۰/۱۹	۱/۰۱	۰/۵۴	۰/۷۹	بیگانگی اجتماعی
گروه سایر زنان					
۰/۰۵۸	۰/۱	۰/۸۹	۰/۱۸	۱/۰۳	عدم امنیت اجتماعی
۰/۰۵۹	۰/۳۴	۰/۶۷	۰/۲۴	۰/۹۹	بی‌اعتمادی اجتماعی
۰/۰۵۲	۰/۲۹	۰/۷۶	۰/۶۵	۰/۹۸	بیگانگی اجتماعی

جدول ۴: اطلاعات توصیفی امنیت اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان حاضر در زلزله و سایر زنان

انحراف استاندارد	میانگین	حجم نمونه	گروه
۴/۴۳	۱۳/۱۶	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۴/۷۷	۲۴/۸۳	۹۰	سایر زنان حمایت خانواده
۲/۰۷	۹/۴۳	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۲/۵۵	۲۱/۲	۹۰	سایر زنان نحوه‌ی برخورد دیگران
۲/۰۷	۸/۱	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۱/۷۸	۱۲/۹	۹۰	سایر زنان تعهد مذهبی
۲/۳۸	۱۴/۶	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۲/۵۶	۱۵/۳۳	۹۰	سایر زنان اعتماد به نیروی انتظامی
۱/۸۶	۱۵/۴۳	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۱/۹۲	۱۵/۵۶	۹۰	سایر زنان حضور نیروی انتظامی
۷/۲	۶۰/۷۳	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۸/۸	۹۴/۸۳	۹۰	سایر زنان امنیت اجتماعی

جدول ۵: نتایج آزمون T مستقل عدم امنیت اجتماعی زنان حاضر در زلزله و سایر زنان

آزمون T مستقل برابری میانگین‌ها			آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		
Sig	df	T	Sig	F	
.	۱۷۸	-۹/۸۳	۰/۵۴۹	۰/۳۶۳	حمایت خانواده
.	۱۷۸	-۱۹/۵۸	۰/۵۶۳	۰/۳۳۹	نحوه‌ی برخورد دیگران
.	۱۷۸	-۱/۱۴	۰/۳۶۵	۰/۳۳۸	تعهد مذهبی
۰/۲۵۶	۱۷۸	-۰/۲۷۲	۰/۷۱۴	۰/۱۳۶	اعتماد به نیروی انتظامی
۰/۷۶۸	۱۷۸	-۱۹/۶	۰/۷۴۰	۰/۱۱۱	حضور نیروی انتظامی
.	۱۷۸	-۱۶/۴۱	۰/۱۰۷	۲/۶۸۸	امنیت اجتماعی

جدول ۶: اطلاعات توصیفی اعتماد اجتماعی در بین زنان حاضر در زلزله و سایر زنان

انحراف استاندارد	میانگین	حجم نمونه	گروه
۱۲/۹۹	۵۱/۲۳	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۱۰/۳۸	۹۷/۲۶	۹۰	سایر زنان بی‌اعتماد اجتماعی

جدول ۷: نتایج آزمون T مستقل بی‌اعتماد اجتماعی زنان حاضر در زلزله و سایر زنان

آزمون T مستقل برابری میانگین‌ها			آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		
Sig	df	T	Sig	F	
۰/۰۰۰	۱۷۸	-۱۵/۱۵	۰/۰۴۲	۴/۳۱	اعتماد اجتماعی

است. با توجه به اینکه هر چه نمرات بالاتر و نزدیک ۱۲۵ باشند، اعتماد اجتماعی بالاتر است، به نظر می‌رسد که سایر زنان از اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند.

در جدول ۷، نتایج آزمون T مستقل، برای مقایسه‌ی اعتماد اجتماعی آمده است.

از آنجایی که مقدار P-value، بین دو گروه زنان حاضر در زلزله و سایر زنان در اعتماد اجتماعی، کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین بین دو گروه در اعتماد اجتماعی در سطح $P < ۰/۰۱$ تفاوت معناداری وجود دارد.

در راستای بررسی فرضیه‌ی سوم، در جدول ۸، میانگین و انحراف استاندارد بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان حاضر در زلزله و سایر زنان آمده است.

بین زنان حاضر در زلزله برابر با ۱۵/۴۳ و سایر زنان ۱۵/۶۶ است. نمره‌ی کلی امنیت اجتماعی زنان حاضر در زلزله ۶۰/۷۳ و سایر زنان ۹۴/۸۳ است.

در جدول ۵ نتایج آزمون T مستقل، برای مقایسه‌ی امنیت اجتماعی و ابعاد آن آمده است. طبق مقادیر P-value، بین دو گروه زنان حاضر در زلزله و سایر زنان در ابعاد حمایت اجتماعی، نحوه‌ی برخورد دیگران، تعهد مذهبی و امنیت اجتماعی در سطح $P < ۰/۰۱$ تفاوت معناداری وجود دارد.

در راستای بررسی فرضیه‌ی دوم، جدول ۶ میانگین و انحراف استاندارد بی‌اعتمادی اجتماعی را در بین زنان حاضر در زلزله و سایر زنان نشان می‌دهد.

طبق اطلاعات موجود، میانگین نمره‌ی اعتماد اجتماعی در بین زنان حاضر در زلزله برابر با ۵۱/۲۳ و سایر زنان ۹۷/۲۶

جدول ۸: اطلاعات توصیفی بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان حاضر در زلزله و سایر زنان

انحراف استاندارد	میانگین	حجم نمونه	گروه
۱/۹۴	۱۰/۴	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۲/۳۴	۷/۶	۹۰	سایر زنان
۲/۴۵	۱۰/۱	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۲/۴۵	۷/۲۳	۹۰	سایر زنان
۲/۷۷	۹/۴۳	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۲/۳۱	۶/۶۳	۹۰	سایر زنان
۲/۵۸	۶/۶	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۲/۲۸	۷/۴۶	۹۰	سایر زنان
۲/۵۱	۱۰/۷۳	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۲/۳۲	۷/۱	۹۰	سایر زنان
۶/۲۱	۴۷/۲۶	۹۰	زنان حاضر در زلزله
۶/۹۸	۳۶/۰۳	۹۰	سایر زنان

جدول ۹: نتایج آزمون T مستقل بیگانگی اجتماعی زنان حاضر در زلزله و سایر زنان

آزمون T مستقل برابری میانگین‌ها			آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		
Sig	df	t	Sig	F	
.	۱۷۸	۵/۰۴	۰/۰۹	۲/۹۴	بیگانگی از خود
.	۱۷۸	۴/۵۱	۰/۰۵	۰/۴۶۲	بیگانگی از نهادهای اجتماعی
.	۱۷۸	۴/۲۴	۰/۳۹	۰/۷۵	بیگانگی از روابط اجتماعی
۰/۱۷۴	۱۷۸	-۱/۳۷	۰/۳۵۷	۰/۸۶	بیگانگی از خانواده
.	۱۷۸	۵/۸	۰/۹۸۱	۰/۰۰۱	احساس بی‌ریشگی
.	۱۷۸	۶/۵۸	۰/۴۷۲	۰/۵۲۴	بیگانگی اجتماعی

اکثر بلایای واقع شده از دسته‌ی اول یعنی بلایای طبیعی هستند. بر اساس آمارهای منتشر شده، کشور ما به لحاظ حوادث غیرمترقبه جزو ۱۰ کشور بلاخیز جهان است که از ۴۰ حادثه‌ی طبیعی غیرمترقبه بیش از ۳۰ مورد آن در ایران رخ می‌دهد. ایران تنها یک درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. در حالی که شش درصد تلفات بلایای جهان به ایران تعلق دارد. زلزله، یکی از مخرب‌ترین بلایای طبیعی شناخته می‌شود که تأثیر عوارض آن روی جوامع بشری چه از بعد تلفات جانی و چه از نظر اقتصادی همواره در طول تاریخ قابل توجه بوده است. با توجه به این‌که ایران روی کمربند زلزله خیز آلپ هیمالیا قرار گرفته، زلزله‌های شدیدی این کشور را تهدید کرده و عامل تلفات بشری و خسارات اقتصادی قابل توجه در کشور شده است. این خسارات تنها محدود به خسارات مادی نمی‌شود بلکه صدمات و آسیب‌های اجتماعی زیادی نیز به جامعه وارد ساخته است. در این بین زنان، از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که میزان صدمات آسیب‌های وارده بر آن‌ها بیشتر از سایرین است. زنان هم میزان مرگ و میر آن‌ها در زمان وقوع حادثه بیشتر از مردان است و هم قربانی آسیب‌های اجتماعی می‌شوند. طبق نتایج حاصله، بین امنیت اجتماعی زنان حاضر در زلزله و سایر زنان تفاوت معناداری وجود دارد و میزان امنیت اجتماعی زنان حاضر در زلزله کمتر از سایر زنان است. با تأکید بر این نتیجه می‌توان بیان کرد که احساس عدم امنیت اجتماعی زنان آسیب‌دیده در زلزله‌های ورزقان و اهر مطابق با رویکرد روش‌شناسی مردم‌نگارانه

طبق اطلاعات موجود در جدول ۸، میانگین نمره‌ی بیگانگی از خود در بین زنان حاضر در زلزله برابر با ۱۰/۴ و سایر زنان ۷/۶، میانگین نمره‌ی بیگانگی از نهادهای اجتماعی در زنان حاضر در زلزله برابر با ۱۰/۱ و سایر زنان ۷/۲۱، میانگین نمره‌ی بیگانگی از روابط اجتماعی زنان حاضر در زلزله ۹/۴۳ و سایر زنان ۶/۶۳، میانگین نمره‌ی بیگانگی از خانواده در زنان حاضر در زلزله برابر با ۶/۶ و سایر زنان ۷/۴۶، میانگین نمره‌ی احساس بی‌ریشگی در زنان حاضر در زلزله برابر با ۱۰/۷۳ و سایر زنان ۷/۱ و در نهایت میانگین نمره‌ی بیگانگی اجتماعی زنان حاضر در زلزله برابر با ۴۷/۲۶ و سایر زنان ۳۶/۰۳ است.

در جدول ۹، نتایج آزمون T مستقل، به منظور مقایسه‌ی بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن آمده است.

طبق مقادیر P-value، بین دو گروه زنان حاضر در زلزله و سایر زنان در ابعاد بیگانگی از خود، بیگانگی از نهادهای اجتماعی، بیگانگی از روابط اجتماعی، احساس بی‌ریشگی و بیگانگی اجتماعی در سطح $P < 0.01$ تفاوت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

وقوع حوادث و بلایای طبیعی را می‌توان از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های زندگی بشر به خصوص مردم کشورهای در حال توسعه دانست. در نگرش کلی، بلایا را می‌توان به دودسته بلایای ناشی از پدیده‌های طبیعی و بلایای حاصل از دخالت انسان تقسیم کرد. آمار رخداد بلایا در کشورهای در حال توسعه حاکی از آن است که

و آنان با مسئولیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند که سبب استرس (فشار روانی) مضاعف کل خانوار می‌شود. همچنین به دلیل باورهای غلط موجود در جامعه، نگرشی منفی نسبت به آن‌ها وجود دارد و این امر زنان آسیب‌دیده در زلزله را دچار بیگانگی می‌کند.

پی‌نوشت

1. Atjeh
2. Kvdalvr
3. Anomie
4. Social alienation
5. Disorders
6. Social isolation
7. Vulnerability
8. OliverSmith
9. Barry Buzan
10. Ole Waever
11. Lemaiter
12. MelvinSeeman

منابع

۱. پیران، پرویز (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی مصائب جمعی و نقش آن در مدیریت بحران ناشی از حادثه. *فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی*، سال سوم، شماره‌ی ۱۱، ۴۸-۱۳.
۲. گزارش موسسه ژئوفیزیک (۱۳۹۳). *سالنامه بنیاد مسکن جمهوری اسلامی ایران*.
۳. سلطانی نژاد، امیر (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر در حوادث طبیعی*. تهران، انتشارات سخنوران.
4. Gelser SJ, Struck R, Wright P, Rice MM (2009). The compatibility of the victims of the Buffalo Creek. *Journal of Gerontology*, 45(3), 173-200.
۵. سلطانی نژاد، امیر (۱۳۹۳). پیامدهای سیاسی زلزله. دومین کنفرانس ملی مدیریت بحران در شرایط‌های حیاتی صنایع و مدیریت شهری.
۶. سلطانی نژاد، امیر (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی در سوانح و حوادث*. تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۷. سلطانی نژاد، امیر و سلطانی نژاد، ایوب (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی زلزله‌ی بم. *فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۷.
8. Paton .D. (2014). disaster and helpers :*psychological dynamic and implication for counseling quarterly*, 2(3), 87- 95.
۹. ستوده، هدایت الله (۱۳۸۷). ناکامی آموزشی و از خود بیگانگی: پژوهشی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال سوم، شماره‌ی ۲.
۱۰. باستانی، سوسن و صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۶). سرمایه‌ی اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه‌ی اجتماعی زنان و مردان در تهران. *نامه‌ی علوم اجتماعی*، شماره‌ی ۳۰، ۳۴-۲۲.
۱۱. بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. ویراستار مجتبی عطارزاده، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی در شهر تهران*، تهران، انتشارات سروش.
13. Rapheal, B. (2015). The Human Dimensions of Climate Change: *The Political Ecology of Vulnerability*; 7(1), p 123-143
14. Barkun, M. (1974). *Disaster and the millenium*, New Haven. Yale University Press

است، زیرا بر طبق این رویکرد، امنیت اجتماعی زنان آسیب‌دیده متضمن فهم رفتاری است که به پیروی از شرایط محیطی انجام می‌شود تا درک مقرراتی که مورد تبعیت قرار می‌گیرند. بر اساس این مکتب، عدم امنیت اجتماعی زنان در زلزله ناشی از کنش‌های عادی و روزمره، تعاملات، روابط و نحوه‌ی برخورد با زنان در جامعه است که بعد از حوادث در جوامعی مانند جامعه‌ی ما که زن اعتبار اجتماعی و امنیت خود را مدیون مردان خانواده است، زن بدون مرد به‌عنوان یک فرصت برای مردان جلوه می‌کند که قصد تصاحب و کام‌جویی از او را دارند. این مسئله در ابعاد متفاوتی در شهرهای ورزقان و اهر مشاهده گردید که از تقاضای ازدواج‌های نامطلوب و بدون شرایط مناسب آغاز شده و به مواردی دیگری نظیر تقاضای صیغه شدن و تجاوز انجامیده است. بنابراین طرد شدن از سوی جامعه، دوستان و یا حتی اقوام، نداشتن امنیت اجتماعی مناسب، از جمله واقعیت‌های تلخی است که این قشر آسیب‌پذیر در حادثه با آن مواجه هستند. همچنین نتایج تحقیق بیانگر این است که بین بی‌اعتمادی اجتماعی زنان حاضر در زلزله و سایر زنان تفاوت معناداری وجود دارد و میزان اعتماد اجتماعی زنان حاضر در زلزله کمتر از سایر زنان است. آنتونی گیدنز اعتماد را بر مبنای اعتماد به نظام‌های انتزاعی و تخصصی و اعتماد در روابط شخصی می‌داند. با تأکید بر این نظریه بعد از زلزله‌های ورزقان و اهر زنان آسیب‌دیده از یک طرف به دلیل مخارج سنگین زندگی و سرپرست خانواده بودن، اعتمادشان به نهادها و سازمان‌های حمایتی کم شده است و از طرف دیگر در روابط شخصی‌شان هم کمتر می‌توانند به دیگران اعتماد نمایند. نتیجه‌ی این بررسی با نتیجه‌ی تحقیق زند رضوی (۱۳۸۴) که تأثیر زلزله را بر چهار بعد اصلی سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد و مشارکت - شبکه اجتماعی یا هنجار) مورد سنجش قرار داده است، همخوان و هم‌سو است. نتایج بیانگر این است که بین دو گروه زنان حاضر در زلزله و سایر زنان در ابعاد، بیگانگی از خود، بیگانگی از نهادهای اجتماعی، بیگانگی از روابط اجتماعی، احساس بی‌ریشگی تفاوت معناداری وجود دارد و میزان بیگانگی اجتماعی زنان حاضر در زلزله بیشتر از سایر زنان است [۱۸]. نتیجه‌ی این فرضیه با تئوری سیمن هم‌خوان است، زیرا زنان آسیب‌دیده احساس بی‌قدرتی، بی‌معنایی و خودبیزاری (تنفر از خود) داشتند و تصورشان این بود که در وضعیت‌های اجتماعی و کنش متقابل خود، تأثیرگذار نیستند. همچنین احساس می‌کردند که هیچ راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده‌ی خود ندارند. دچار ابهام، شک و تردید در زندگی بودند و نمی‌توانستند در تصمیم‌گیری، عقیده‌ی خود را با استانداردهای فرهنگی - اجتماعی موجود در جامعه وفق دهند. نهایتاً می‌توان گفت که زنان آسیب‌دیده در زلزله تحت هر شرایطی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... دچار مشکلات بسیار هستند. زیرا علاوه بر انجام نقش و مسئولیت مادری و پرورش فرزندان، تأمین‌کننده‌ی مخارج خانواده نیز هستند و این نقش فشارهای مضاعفی را با توجه به تضادهای بین نقش مادری و سرپرستی برای آنان ایجاد می‌کند. این زنان به دلیل تأمین مخارج، فرصت کمتری در خانواده دارند و در نتیجه نقش تمام افراد خانواده تغییر می‌یابد

۱۵. احدنژاد روشتی، محسن (۱۳۸۸) مدل‌سازی آسیب‌پذیری شهرها در برابر زلزله، نمونه‌ی موردی شهر زنجان. پایان‌نامه‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، تهران، دانشگاه تهران.
۱۶. ابراهیم‌پور، محسن (۱۳۸۸). پیامدهای اجتماعی زلزله بم در روستاهای آسیب‌دیده. فصلنامه روستا و توسعه، سال یازدهم، شماره‌ی ۴. ۱۷۵-۲۰۲.
۱۷. بازرگان، عباس (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر روش تحقیق کیفی، آمیخته (رویکردی متداول در علوم رفتاری). نشر دیدار.
۱۸. زند رضوی، سیامک (۱۳۸۴). وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در محدوده‌ی تعیین‌شده برای برپایی شهر دوستدار کودک در شهرستان بم. مجموعه مقالات جامعه‌شناسی و مدیریت بحران (تجربه‌ی بم). گزارش مقدماتی زلزله ۵ دی‌ماه ۸۲ بم، پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله.

۱۰۸

شماره سیزدهم

بهار و تابستان

۱۳۹۷

دوفصلنامه
علمی و پژوهشی



بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی زنان در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله‌های ورزقان و اهر